

« هر جمعه، یک دقیقه با وحی: » (شماره: ۶)

« مهمترین آزمون انسان » و « مهمترین خط قرمز خداوند »:

با اینکه « قانون علیت » (اینکه هر چیزی علتی متناسب با خود دارد) برای عقل « بدیهی » است،

اما « حواس انسان » (خصوصاً در هفت سال اول و دوم تولد و مثل حیوانات)،

فقط « دخالت عوامل ظاهری و محسوس » را « ادراک و تجربه » می‌کنند.

لذا انسان (همانطور که تبعیت همه اندام بدن از روح غیر مادی را می‌فهمد)، باید « عاقل » شود تا بفهمد « همه

اجزاء و عناصر جهان نیز تابع خالق مقتدر و غیر مادی » اند. لذا « اولین تکلیف » انسان عاقل و

بالغ، « قبول خالقیت خدا و مخلوقیت خود و مؤثر ندیدن غیر او » در امور هستی است:

« وَاعْبُدُوا اللَّهَ » وَ « لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً » ... (نساء/۳۶)

زیرا « مؤثر پنداشتن » هر چیزی « غیر از خدا » یک « خیالبافی جاهلانه و متکبرانانه » است:

... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ « مُخْتَالاً فَخُوراً » (نساء/۳۶)

پس « هر کاری » به نیت « دیدن مردم »، « شرک » است:

« وَاعْلَمُوا: أَنَّ يَسِيرَ الرِّيَاءِ، شِرْكٌ » (خطبه: ۸۶ نهج البلاغه)

« شرک » (مؤثر پنداشتن هر چیزی غیر از خدا)، « همه زحمات » انسان را « باطل » می‌کند:

... « وَ لَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. » (أنعام/۸۸)

« شرک »، « بهشت » (معرفت و لذت جاودانه) را بر « مشرک »، « ممنوع و حرام » می‌کند:

إِنَّهُ « مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ » فَقَدْ « حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ » ... (مائده/۷۲)

« شرک به خدا » (ناشکری و) « بزرگترین ظلم » و « بدترین سقوط » برای انسان است:

« وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ » ..... (حج/۳۱)

..... یا بنی! لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ « إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ » (لقمان/۱۳)

لذا از منظر قرآن، « فقط » مشرک « نجس » است:

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! « إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ » ... (توبه/۲۸)

پس « شرک به خدا »، « بدترین گمراهی » و « تنها گناه نابخشودنی » است:

إِنَّ اللَّهَ « لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ » وَ « يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ » ... (نساء/۴۸)

... « وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيداً » (نساء/۱۱۶)